



TAADOL NEWSPAPER
WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تاریخ خبر: سه شنبه 1395/4/29

کد خبر: 47535

توسعه مکران از صنایع آغاز شود

در یک نگاه کلی توزیع جمعیت در کل کشور برای تمرکززدایی از تهران و سایر کلان‌شهرها، اقدام درستی است. همچنین توسعه مناطق جنوبی کشور و به خصوص سواحل مکران که جمعیت قابل توجهی در آنجا ساکن نیستند، ایده بسیار خوبی است اما باید توجه داشته باشیم پیش شرطهایی که می‌تواند اینگونه اقدامات را عملی کند تنها به ساخت شهر و مناطق مسکونی بستگی ندارد. همانطور که شهرهای جدید ساخته شده در ایران طی دهه گذشته هم نتوانست اهداف ایده‌پردازان خود را کسب و جمعیت مورد نیاز را جذب کند. مساله مهمی که باید برای ساخت شهر جدید و انتقال جمعیت به آن مدنظر قرار داد ایجاد فرصت اشتغال است اما نه هر شغلی. به احتمال بسیار قوی ما نمی‌توانیم در تجارت با دویب و سایر کشورهای عربی که در نزدیکی ما قرار دارند رقابت کنیم همانطور که کیش و قشم هم نتوانستند با این کشورها رقابت کنند. بنابراین تفکر دیگری از ایجاد شغل باید اتفاق بیفتد اما هنوز فکر مشخصی در این باره شکل نگرفته است که بنگاه‌های شغلی شهرهای جدید ما در چه زمینه‌هایی توانایی فعالیت و رقابت را دارند آن هم در شرایطی که اکنون با نظریه گرم شدن هوا در تمام دنیا طی 40 سال آبی زندگی در این مناطق بسیار سخت‌تر خواهد شد. معتقدم اگر دولت بتواند این مساله را با طرح آمایش سرزمین سامان دهد و تعریف شغلی مناسبی برای این مناطق داشته باشد احتمال موفقیت طرح بیشتر است. منظور این است که در ابتدا کارخانه‌ها در محدوده شهرهای جدید ساخته شود. اما اگر مسوولان بخواهند باز هم بدون برنامه فعالیت کنند و فقط در مناطق مختلف کشور شهر بسازند این شهرها هم مانند بقیه شهرهای جدید ناموفق خواهند بود. ما باید از همان ابتدا مشخص کنیم که چه صنایعی را می‌شود در این منطقه ایجاد کرد. البته اگر کارخانجات و صنایع در راستای محصولات پتروشیمی، نفت و گاز باشد طرح توسعه نیز موفق خواهد بود چون تنها با ساختن شهر و ساختمان شهر پویا نمی‌شود.

شکل‌گیری شهرها به فاکتورهای زیادی بستگی دارد اما از یک دیدگاه کلی و نسبت به آنچه در دنیا اتفاق افتاده است شهر در کشورهایی که اقتصاد آنها به زمینه کارمردم مرتبط است به صورت طبیعی و بر اساس ظرفیت‌های محیطی شکل می‌گیرد. اما در کشور ما که سرمایه اصلی در دست دولت است و در واقع حاکمیت سرمایه‌گذار اصلی است دولت هم می‌تواند در زمینه شهرسازی وارد شود و برنامه‌هایی در این زمینه داشته باشد. اما برای رسیدن به نتیجه درست حتما باید از تجربه ساخت شهرهایی چون قشم، کیش، مناطق آزاد و چابهار استفاده کرد چون زمانی هم که این شهرها در دستور کار بودند اهداف کنونی برای آنها متصور شده بود اما متاسفانه به نتیجه دلخواه نرسیدند و در نهایت قشم و کیش تنها به بندر واردات تبدیل شدند. دولت قصد داشت قشم را صنعتی‌سازی کند اما موفق نشد چون حتی اگر صنایع ما با سرمایه‌گذاری‌های بسیار زیادی هم شکل بگیرد همچنان با صنایع بین‌المللی رقابت پذیر نیست و موفقیت در آن کار بسیار پیچیده‌ای است. بنابراین کار را باید از ساخت کارخانه و پیش‌بینی برای اشتغال مولد آغاز کرد و بعد به جمعیت و انتقال آن به منطقه فکر کرد. در مقایسه ساخت پوتراجایا، پایتخت جدید کشور مالزی و شهر پرنده (موفق‌ترین شهر جدید در ایران) در اطراف تهران در حالی که یکی کاملا موفق است و دیگری موفقیت چندانی در مقیاس جهانی ندارد، باید به این موضوع توجه شود که آنها یک طرح آمایش سرزمین قوی دارند که برای توسعه کشور کاربردی است و در راستای آن حرکت می‌کنند. اما طرح‌های آمایش سرزمین ما یک بار قبل از انقلاب و دو بار بعد از انقلاب تهیه شده است، اما همچنان به تصویب نرسیده است چون اصولا نظام برنامه‌ریزی کشور ما بخشی است و یک طرح فرابخشی مثل آمایش سرزمین هیچ جایی در آن ندارد. متاسفانه ما چون نگاه عام را به مساله نداریم و موردی تصمیم می‌گیریم احتمال شکست‌مان هم خیلی زیاد است اما چون آنها موفق می‌شوند چون نگاه عام به مسائل را دارند.

اما دولت زمانی می‌تواند طرح توسعه مکران و ایده شهرهای جدید را با موفقیت به سرانجام برساند که وزارت راه و شهرسازی عمل‌کننده اول آن نباشد که شهر و ساختمان ساخته شود بدون اینکه جمعیت برای انتقال توجیه شوند. اجرای این ایده ابتدا حتما باید از وزارت صنعت، معدن و تجارت آغاز شود و اگر این وزارتخانه نتوانست در منطقه پایه‌های کارخانه‌ها را بسازد در نیمه راه نیز می‌شود موضوع ساخت شهر را در آنجا مورد توجه قرار داد. شهری چون فولاد شهر در اصفهان به این دلیل موفق بود که در نزدیکی یک ذوب آهن قرار داشت. اصلی‌ترین عامل جابجایی انسان‌ها در ایران کار است بهطوری که همواره از شهرهای شمالی خوش آب و هوا به سمت تهران و سایر کلان‌شهرها مهاجرت صورت می‌گیرد. البته به ندرت مهاجرت‌های معکوس به شهرهای خوش آب و هوا هم داریم که بیشتر در میان افراد بازنشسته دیده می‌شود.

بردن سرمایه‌گذار به منطقه از مهم‌ترین محورهای موفقیت است اما نه حد حرف و اعلام آمادگی چون تا پیش از این هم بارها سرمایه‌گذاران زیادی برای طرح‌های اینچینی اعلام آمادگی کرده‌اند اما از این اعلام آمادگی‌ها زیاد انجام شده است اما اینکه واقعا کدام یک به عمل می‌انجامد مهم است. مساله آب معضل بعدی است که با دو بحث انتقال آب یا شیرین کردن آب دریا میسر خواهد شد که البته سختی‌های خود را نیز دارد.

با وجود این در حال حاضر انتقال آب کار سخت و پیچیده‌ای نیست چون آب هم مثل برق یک شبکه است به خصوص اینکه آبی که ما در کشورمان استفاده می‌کنیم، 2 تا 3 درصد آب کل کشور است در حالی که حدود 90 درصد آب در حوزه کشاورزی مصرف می‌شود و این 3 درصد، رقمی نیست که بخواهیم برای آن نگران باشیم چون تامین آب برای شهر که حتی می‌توان بخشی از آن را با بازیافت کرد کار آسانی است. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد تا زمانی که طرح کلی آمایش سرزمین نداشته باشیم تجربه موفق نیز در این زمینه نخواهیم داشت.

نگاه‌ها باید کاملا عوض شود البته ساخت این شهرها دلایل سیاسی امنیتی هم دارد که توضیح آن در تخصص بنده نیست به هر حال ممکن است از نظر سیاسی و امنیتی نیاز باشد تا در این منطقه شهر ساخته شود.